

## گرایشهای آوایی و واجی فارسی گفتاری تهران

گیتی دیهیم

هر فارسی‌زبانی به خوبی متوجه اختلافات تلفظی موجود بین گونه‌های فارسی شهرستانها هست و شوخیهایی را که درباره این تلفظهای مختلف در افواه وجود دارد شنیده است. گرچه این گوناگونی‌ها زیر تأثیر رسانه‌های گروهی و مدارس در حال کاهش است ولی هنوز، ته‌مانده «لهجه»های اصفهانی و یزدی و شیرازی و غیره به گوش می‌خورد.

نگارنده چنین می‌اندیشد که بهتر است تادیر نشده، خطوط اصلی این تلفظها استخراج و دستگاههای آوایی و واجی هر منطقه ترسیم گردد. بدین منظور خوداز، چندی پیش پژوهشی را درباره گرایشهای آوایی و واجی فارسی تهرانی آغاز کرده بود که بنا بود به صورت «پیش‌نظر خواهی»<sup>۱</sup> برای ردیابی این تلفظها در سایر نقاط کشور به کار رود، ولی به دلایلی چند، این کار فعلاً به تعویق افتاده است. آنچه در زیر می‌آید نتایجی<sup>۲</sup> از این پژوهش نیمه‌تمام است که قبلاً با تفاوتی در مجله «زبان‌شناسی» (چاپ پاریس) (دیهیم ۱۹۸۴، ۱۳۶-۱۳۳) منتشر شده است.

همانطور که از عنوان مقاله و مطالب بالا مستفاد میشود هدف نگارنده عبارت بوده است از یافتن تفاوتی تلفظی موجود بین فارسی نوشتاری و فارسی گفتاری، و بیرون کشیدن

۱. برای شناختن مفهوم این اصطلاح رك. (دیهیم ۱۳۶۴، ۲۴-۲۳).

۲. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد ژیلبر لازار در آثار خود به بعضی از مسائلی که در این پژوهش، سعی در شکافتن آنها شده اشاره کرده است. (لازار ۱۹۵۷؛ ۱۴۵-۱۴۸؛ ۱۹۷۱؛ ۱۵۸-۱۵۴)، همچنین رك. (فوشه کور، ۱۹۸۱).

گرایشهای آوایی و واجی فارسی گفتاری که در نهایت نشانگر جهت تحول زبان فارسی است.

### صامت /h/

این واج در جایگاه آغازی به وضوح در تمام واژه‌ها تلفظ می‌گردد: همه، هشت، حسن، حواله، هنر، هول، هلو، هوش... اما در جایگاههای دیگر، گرایشی شدید به حذف شدن و گاه خفیف تلفظ شدن از خود نشان می‌دهد: کاهو، ماهیچه، چهار، خواهر، مشهد، مسهل، صفحه، خوشحال، آموزشگاه، تسبیح، یازده، کوه، احتیاج، فحش، راهرو، شهر، به ترتیب /kāu/, /māyčē/, /čār/, /xāār/, /mašad/, /mosel/, /safe/, /xošāl/, /āmuzešgā/, /tasbi/, /yāzda/, /ku/, /e:tiāš/, /fo:š/, /rā:ro/, /ša:r/. تلفظ می‌شوند. همانطور که در چهار واژه آخر دیده می‌شود در جایگاه قبل از صامت، این واج، جای خود را به امتداد مصوت پیش از خود می‌سپارد.

البته در اکثر موارد به محض این که گفتار، با تأکید، مبالغه یا هیجان همراه باشد آوای /h/ دوباره نمایان می‌گردد، مقایسه کنید: «مشهد شهر بزرگیست» /mašhad šahre bozorgie/ و «شهر ما از مشهد دور است» /ša:re mā az mašad dure/، یا «چهل سال زحمت کشید» /čehel sāl zahmat kešid/ و «زحمت نکش» /za:mat nakeš/. این مطلب در مورد سایر واجهایی هم که معمولاً در زبان خودمانی، حذف می‌شوند صدق می‌کند.

### صامت /ʔ/

این واج در جایگاه آغازی وجود ندارد زیرا در حقیقت با عمل «آمادگی برای ایجاد مصوت»<sup>۳</sup> در هم می‌آمیزد؛ در جایگاه بین دو مصوت هم حذف میشود و دو مصوت به صورت پیوسته به یکدیگر تلفظ می‌گردند (فوشه کور ۱۹۷۳، ۲۲-۲۰ و ۳۰۸): سؤال /soāl/, متأسف /moteassef/, دعا /doā/, معلم /moallem/... در جایگاه پایانی نیز، چه پس از صامت و چه پس از مصوت، حذف میشود: وضع /vaz/, ربع /rob/, جمع /am/, اختراع /exterā/, راجع

۳. منظور *attaque vocalique* است که عبارت است از «حرکتی که به وسیله آن تار آواها، خود را برای تولید مصوتها آماده می‌کنند: اگر تار آواها بلافاصله حالت ارتعاش، به خود بگیرند آن را آمادگی ملایم می‌نامند، مانند آنچه در مورد مصوتهای آغازین واژه‌ها در زبان فرانسه اتفاق می‌افتد. اما اگر تار آواها ابتدا در سراسر چاکنای راه عبور را بر هوا ببندند و سپس ناگهان از یکدیگر جدا شده و به ارتعاش درآیند آن را آمادگی خشن می‌نامند، مانند طرز تولید مصوتهای آغازین آلمانی». (دوبوا ۱۹۷۳، ۵۷).

/rāje/, مربع /morabba/... در جایگاه میانی پیش از صامت، حذف آن با امتداد مصوت قبلی همراه است: دعوا /da:vā/, لعنت /la:nat/, فعلاً /fe:lan/, اعتراض /e:terāz/, مؤمن /mo:men/, شعبه /šo:be/... تنها در جایگاه میانی پس از صامت است که هنوز در برخی کلمات تلفظ میشود: جفتهای زیر بخاطر وجود /ʔ/ در یکی از واژه‌ها و عدم وجود آن در دیگری از یکدیگر متمایزند: طبعش /tabʔ:eš/ ~ تبش /tabeš/, سمعک /samʔak/ ~ سمک /samak/, ملعون /malʔun/ ~ ملوس /malus/...

### خنثی شدن تقابل صامتها

در فارسی گفتاری، هنگامی که دو صامت به دنبال یکدیگر می‌آیند شاهد گرایشی شدید به همگونی و دگرگونی در آنها هستیم (خانلری ۱۳۵۰، ۱۰۵). در زیر فقط چند مورد بسیار مشخص از این پدیده را که واژه‌های بسیاری را شامل می‌شود می‌آوریم. باید اضافه کنیم که چون زبان فارسی در جایگاه آغازین کلمه، دارای گروه صامت نیست این موارد را تنها در جایگاههای میانی بین دو مصوت و پایانی ارائه می‌کنیم.

الف. هنگامی که در دو جایگاه مذکور، صامتی سایشی و بی‌آوا قبل از صامتی انسدادی و بی‌آوا می‌آید صامت دوم بدون تفاوت، بی‌آوا یا آوایی (بیشتر آوایی) تلفظ می‌شود، بی‌آنکه این پدیده منجر به تغییر معنا گردد؛ به عبارت دیگر، تقابل بین بی‌آوا و آوایی که در بافتهای دیگر باعث تغییر معنای واژه‌ها میشود در این بافت خاص، ارزش تمایزدهنده خود را از دست داده و خنثی می‌گردد:

/šK/ : /ašK/, /mešKi/	اشك، مشكى
/sK/ : /susK/, /esKenās/	سوسك، اسكناس
/šT/ : /pošT/, /mošTari/	پشت، مشترى
/sT/ : /pusT/, /dasTur/	پوست، دستور
/fT/ : /sefT/, /āfTāb/	سفت، آفتاب
/xT/ : /saxT/, /doxTar/	سخت، دختر

ب. هنگامی که صامت سایشی /f/ با یکی از سایشی‌های /s/ یا /š/ در تماس باشد تقابل بین بی‌آوا و آوایی خنثی شده و /f/ بدون تفاوت [f] یا [v] (بیشتر [v]) ادا می‌گردد:

/sF/ : /nesF/, /gusFand/	نصف، گوسفند
/Fs/ : /naFs/, /aFsar/	نفس، افسر
/šF/ : /kašF/, /fešFeše/,	کشف، فشفشه

کفش، بنفشه /Fš/: /kaFš/, /banaFše/  
 ج. تقابل بین واجهای /q/ و /x/ در مقابل سایشی‌ها یا انسدادی‌های بی‌آوا خنثی می‌شود و در واژه‌هایی که شامل چنین بافتی هستند می‌توان بدون تفاوت [x] یا [q] (معمولاً [x]) تلفظ کرد:

سقف، استغفرالله /Xf/: /saXf/, /astaXforolla/  
 تقصیر، رقص /Xs/: /taXsir/, /raXs/  
 نقشه، مغشوش /Xš/: /naXše/, /maXšuš/  
 باغچه، طاقچه /Xč/: /bāXče/, /tāXče/  
 کلاغ پر /Xp/: /kalāXpar/  
 مقطوع، سقط /Xt/: /maXtu/, /seXt/  
 دق کش، شلوغکاری /Xk/: /deXkoš/, /šuluXkāri/

به‌طور کلی، گرایش به خنثی شدن تقابل این دو واج در همه جا و بخصوص در مجاورت سایشی‌های [f]، [s] و [š] به چشم می‌خورد. به مثالهای زیر توجه کنید: افغانی /afXāni/، نفخ /nafX/، مثقال /mesXāl/، مسخره /masXare/، بشقاب /bošXāb/، ریشخند /rišXand/، تخفیف /taXfif/، شخصی /šaXsi/، پخش /paXš/...

د. نمونه دیگری از خنثی شدن، در مورد تقابل دو واج /j/ و /ž/ در جایگاه پیش از صامت، پیش می‌آید که در اثر عمومیت یافتن /ž/ در این موضع<sup>۵</sup>، گوینده در برابر فقط یک انتخاب قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، در این بافت و جایگاه خاص، فقط /ž/ را می‌توان انتخاب کرد درحالی که در بافتها و جایگاههای دیگر، برگزیدن /ž/ یا /j/ باعث تغییر معنا می‌شود. به مثالهای زیر توجه کنید:

مجبور، لجبازی /Žb/: /maŽbur/, /laŽbāzi/  
 تجدیدی، وجدان /Žd/: /taŽdidi/, /voŽdān/  
 کنجکاو /Žk/: /konŽkāv/  
 گیج‌گاه /Žg/: /giŽgā/  
 تجویدی /Žv/: /taŽvidi/  
 اجساد /Žs/: /aŽsād/

۴. اغلب اوقات، این گروه در جلوی مصوت به [ss] تبدیل می‌شود.

۵. تنها استثنای این قاعده در مجاورت صامت [t] پیش می‌آید که در آنجا [j] تبدیل به [š] می‌شود: مجتبی /moštābā/، مجتهد /moštēhed/، اجتماع /eštēmā/...

/ʒz/: /taʒʒie/, /raʒʒan/	تجزیه، رج زن
/ʒx/: /tāʒxurus/	تاج خروس
/ʒh/: /eʒhāf/	اجحاف
/ʒl/: /maʒles/, /heʒle/	مجلس، حجله
/ʒr/: /taʒriš/, /zaʒr/	تجریش، زجر
/ʒn/: /maʒnun/, /aʒnabi/	مجنون، اجنبی
/ʒm/: /tāʒmā/	تاجماه

### تشدید (صامت‌های دوتایی)

بدون این که تشدید در گونه تهرانی، پدیده‌ای بسیار مشخص و چشمگیر باشد، معهدا موارد زیادی وجود دارد که به موجب آنها می‌توان حکم کرد که تهرانیها گرایشی به مشدد کردن واژه‌ها از خود نشان می‌دهند.

به غیر از واژه‌هایی که از قدیم مشدد بوده‌اند، مانند: مجله، ترقی، لذت، عطار، کلاش، شلاق، جرقه، دره، بره، تکه و غیره، در فارسی به دو دسته واژه‌های مشدد نو برمی‌خوریم:

۱. تعداد محدودی واژه که با مقایسه با تلفظ ضبط شده آنها در فرهنگ فارسی معین<sup>۶</sup> بالاخص، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در دهه‌های اخیر مشدد شده‌اند: ماسه /masse/، مزه /mazze/، پاچه /pāčče/، تله /talle/، ننو /nannu/، آبه (در زن آبستن) /ābbe/، ماده (گر به ماده) /mādde/...<sup>۷</sup>

۲. دسته بسیار بزرگتری کلمه مشدد که در اثر همگونی صامت‌هایی -st- و -zd- در جلوی مصوت، پدیدار گشته‌اند<sup>۸</sup>: پوستین /pussin/، دستی /dassi/، پسته /pesse/، شکسته /šekasse/، نشستم /nešassam/، خواستند /xāssan/، تابستان /tābessun/، شبستان /šabessun/، نزدیک /nazzik/، دزدی /dozzi/، یازده /yāzza/، دزدکی /dozzaki/، شازده /šāzze/...

۶. معیار ما برای مقایسه صورتهای زبان نوشتار و گفتار در این مقاله در اکثر موارد، تلفظ ارائه شده در این فرهنگ (معین، ۱۳۵۳) است.

۷. واژه‌هایی مانند /daqqe/ حاصل از «دقیقه»، /daffe/ حاصل از «دفعه» و /saffe/ حاصل از «صفحه» و غیره را نیز می‌توان به این دسته افزود.

۸. باید گفت که تعداد کلمات مشددی که در بافت -st- بوجود می‌آید بسیار بیشتر از آنهایی است که در بافت -zd- ظاهر می‌شود که بسامدش در فارسی نسبت به بافت اول کمتر است. اینرا هم باید اضافه کرد که تمام واژه‌های شامل این دو بافت، مشمول این همگونی نمی‌شوند، مثلاً: دستور، دبیرستان، بوستان، بازدید، مزدور...

باید اشاره‌ای هم به پدیدهٔ مشدد شدگی در اثر تأکید، مبالغه یا هیجان کرد که پدیدهٔ نوی نیست و در صورت نبودن چنین حالتی در گفتار، معمولاً از بین می‌رود، مثلاً در کلمات: امید /ommid/، درنده /darrande/، همه /hamme/، همیشه /hammiše/، تیق (گرفتگی زبان) /toppoq/، چاپید (مردم را چاپید) /čäppid/، می‌چرد (خوب می‌چرد) /miččare/...

صامت‌های دوتایی، چه قدیمی و چه نو، دارای ارزش تمایزدهنده هستند، زیرا بسیاری از واژه‌های مشدد در تقابل با واژه‌های مشابه غیر مشدد قرار می‌گیرند. به جفت‌های کمینه زیر توجه کنید: کره - کره /korre/ ~ /kore/، حلال - حلال /hallāl/ ~ /halāl/، بنا - بنا /bannā/ ~ /banā/، سرّی - سرّی /serri/ ~ /seri/، شرّابه - شرّابه /šarrābe/ ~ /šarāb/، برّا - برّاق /borrā/ ~ /borraq/، کفه - کفه /kaffe/ ~ /kafe/، از سر - اثر /assar/ ~ /asar/، شسته - شوشه /šosse/ ~ /šose/، مثل - مس است /messe/ ~ /mese/، پوستین - پوستین /pussin/ ~ /pusid/، یزدی - یزید /yazzi/ ~ /yazid/، نزدیک - نظیر /nazzik/ ~ /nazir/، شازده - تازه /šāzze/ ~ /tāze/...

### مصوت /a/

در فارسی نوشتاری، مصوت /a/ در کلمه، در همهٔ جایگاه‌ها و به فراوانی وجود دارد، بجز جایگاه پایانی مطلق که در آن فقط در دو واژه «و» /va/ و «نه» /na/ ظاهر می‌شود. اما در فارسی گفتاری، در نتیجهٔ حذف صامت‌های /ʔ/ و /h/ در پایان واژه، این مصوت در این موضع جای وسیع‌تری برای خود باز کرده است. به واژه‌های زیر توجه کنید: طمع /tama/، مربع /morassa/، مربع /morabba/، ولع /vala/، ارفع /arfa/، بع بع /baba/، مرتفع /mortafa/، ده (عدد) /da/، یازده /yāzza/، موجه /movajja/، ته /ta/، سپه /sepa/، فرح /fara/، بهه /baha/...

### مصوت مرکب /ow/

در زبان بسیاری از تهرانیها این مصوت به /o/ تبدیل می‌شود. در پایان واژه، اگر تأکید و مبالغه در کار نباشد، /o/ کوتاه است: جلو /jelo/، نو /no/، کشو /kešo/، پرتو /parto/، اما در آغاز و میان واژه، بلند ادا می‌شود: اوباش /o:bāš/، اوضاع /o:zā/، اوراق /o:rāq/، اوج /o:j/، روشن /ro:šan/، سوغات /so:qāt/، گوجه /go:je/، حوله /ho:le/، دولت /do:lat/، موز /mo:z/...

### بلندی (امتداد) مصوتها

معمولاً در فارسی نوشتاری، مصوت‌های ساده را به دودسته بلند، [i:]، [ā:]، [u:]، و کوتاه، [e]،

[a], [o] تقسیم می‌کنند. این تمایزگذاری که صرفاً جنبه آوایی داشته و فاقد ارزش واجی است، هنگام خواندن متون، مراعات می‌شود و در شعر، اجباری است.

در فارسی گفتاری، بلندی مصوتها بر حسب تکیه بر بودن یا نبودن و قرار داشتن آنها در هجای باز یا بسته متغیر است (پارمحمدی ۱۳۶۴، ۲۱۵-۲۱۴). به علاوه در همین فارسی گفتاری، در اثر حذف صامتهای /h/ و /ʔ/ ی واقع در میان مصوت و صامت و همچنین، تبدیل /ow/ به /o:/ در جایگاه آغازی و بین دو صامت، سه مصوت بلند پدیدار می‌گردد که بلندی آنها ارزش تمایزدهنده دارد، زیرا باعث می‌شود که دو واژه تشکیل دهنده جفتهای کمینه زیر، از نظر معنا از یکدیگر مشخص و متمایز گردند:

/šeʔr/	→ /še:r/	~ /šeršer/	شعر / شرشر
/eʔdām/	→ /e:dām/	~ /edāme/	اعدام / ادامه
/mehri	→ /me:ri/	~ /meri/	مهری / مری
/sehr/	→ /se:r/	~ /ser/	سحر / سر
/baʔd/	→ /ba:d/	~ /bad/	بعد / بد
/taʔne/	→ /ta:ne/	~ /tane/	طعنه / تنه
/tahvil/	→ /ta:vil/	~ /tavil/	تحویل / طویل
/šahr/	→ /ša:r/	~ /šar/	شهر / شر
/šoʔle/	→ /šo:le/	~ /šolezard/	شعله / شله‌زرد
/moʔjez/	→ /mo:jez/	~ /mojāz/	معجز / مجاز
/mohsen/	→ /mo:sen/	~ /mosen/	محسن / مسن
/tohfē/	→ /to:fe/	~ /tofeili/	تحفه / طفیلی
/howl/	→ /ho:l/	~ /hol/	هول / هل
/qowm/	→ /qo:m/	~ /qom/	قوم / قم

باید گفت که شمار واژه‌هایی که این مصوت‌های بلند در آنها دیده می‌شود معتدابه است.

### هماهنگی مصوتها

الف. در واژه‌های بسیاری، هنگامی که به دنبال واج /o/، هجایی شامل واج /u/ بیاید، با این واج، هماهنگ شده و مبدل به /u/ می‌شود:

/sopur/ → /supur/ سپور

/otu/	→	/utu/	اتو
/šokuh/	→	/šuku/	شکوه
/nofuz/	→	/nufuz/	نفوذ
/qosur/	→	/qusur/	قصور
/bolur/	→	/bulur/	بلور
/sorud/	→	/surud/	سرود
/jonun/	→	/junun/	جنون

ب. هنگامی که یکی از واجهای /e/، /a/ و /o/ در واژه‌ای، قبل از بافت‌های -ā- یا -hā- قرار

بگیرد، این سه واج با مصوت این بافت‌ها هم‌آهنگ شده و مبدل به /ā/ می‌گردند

/edde?ā/	→	/eddā?ā/	ادعا
/erte?āš/	→	/ertā?āš/	ارتعاش
/sa?ādat/	→	/sā?ādat/	سعادت
/ma?āš/	→	/mā?āš/	معاش
/mo?āfi/	→	/mā?āfi/	معافی
/mo?āšerat/	→	/mā?āšerat/	معاشرت
/dehāti/	→	/dāhāti/	دهاتی
/emtehān/	→	/emtāhān/	امتحان
/bahār/	→	/bāhār/	بهار
/lahāf/	→	/lāhāf/	لحاف
/mohākeme/	→	/māhākeme/	محاكمه
/mohābā/	→	/māhābā <sup>9</sup>	محابا

ج. در تعدادی واژه، هنگامی که هجایی شامل واج /i/ به دنبال هجایی حاوی واج /e/

می‌آید، /e/ تحت تأثیر /i/ قرار گرفته و خود، به /i/ تبدیل می‌شود:

/fetile/	→	/fitile/	فتیله
/engelis/	→	/ingilis/	انگلیس

۹. تلفظ‌های ارائه شده در این ستون را فقط برای نشان دادن نظم تغییر حاصل از هم‌آهنگی، به صورت فوق آورده‌ایم. در واقع، همانطور که قبلاً گفتیم در گفتار خودمانی، در نتیجه حذف [ʔ] ی واقع در بین دو مصوت، این دو به صورت پیوسته به یکدیگر ادا می‌گردند، و [h] ی واقع در بین دو مصوت هم، اکثراً حذف و یا به صورت بسیار خفیف تلفظ می‌شود.

/ševīd/	→	/šīvid/	شوید
/kešīk/	→	/kišīk/	کشیک
/seriš/	→	/siriš/	سریش
/belit/	→	/bilit/	بلیط

### تبدیل /ā/ به /u/ در جلوی صامت‌های خیشومی

گروه آوایی /ān/ در شمار زیادی واژه بسیار مصطلح تبدیل به /un/ می‌شود: دندان /dandun/، آسان /āsun/، کلانتری /kaluntari/، کاروانسرا /kārvarsarā/، خواند /xund/، چانه /čune/، پیشانی /pišuni/، میدانم /midunam/... نامهای خاص، اکثراً، و کلمات دخیل اروپایی - هرچند هم بسیار مصطلح - ظاهراً تماماً، از این تبدیل معافند: پروانه، افسانه، ایران، توران، ساسان، کامران، سلمان، ارسلان، مامان، شانس، آپارتمان، بانک، آنتن، آپاندیس، آنفلوآنزا، پیانو...<sup>۱۰</sup>

گروه آوایی /ām/ نیز که به نظر می‌رسد در واژگان فارسی نسبت به /ān/ بسامد کمتری داشته باشد، در تعدادی واژه این تبدیل را می‌پذیرد: تمام /tamum/، حمام /hamum/، کدام /kodum/، آرام /arum/، آمد /umad/...

### کتابنامه

- دیهیم، گیتی، ۱۳۶۴، «نظر خواهی درباره دستگاه واجی»، مجله زبانشناسی، شماره اول.  
 معین، محمد، ۱۳۵۳، فرهنگ فارسی، تهران، ج ۲، امیرکبیر.  
 نائل خانلری، پرویز، ۱۳۵۰، تاریخ زبان فارسی، ج ۱، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.  
 یارمحمدی، لطف‌الله، ۱۳۶۴، درآمدی به آواشناسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.  
 Deyhim, Guiti, 1984, «Enquête sur la phonologie du persan contemporaris», *la Linguistique*  
 Dubois, Jean et autres, 1973, *Dictionnaire de Linguistique*, Paris, Larousse.  
 Fouchécour, Charles-Henri, de., 1981, *Éléments de Persan*, Publications Orientalistes de France.  
 Lazard, Gilbert, «Une Neutralization en Phonologie Persane», *Langues et techniques, nature et Société*, Paris, Klincksieck.  
 — 1975, *Grammaire du Persan Contemporain*, Paris, Klincksieck.  
 — Compte Reudu du Livre de Dz. k. Giunašvili, 1971, «Sistema Fonem Persidskogo Jazyka». *Indo-Iranian Journal*, vol. XIII, no.2, The Hague, Mouton.

۱۰. برحسب اتفاق، این واژه‌ها اکثراً از زبان فرانسه به عربیت گرفته شده است.